



آیت الله سید ابوالحسن مهدوی، امام جمعه موقت اصفهان: حضور مردم وحشت و ناامیدی در دل دشمن ایجاد کرد



اندیشه حزب جمهوری اسلامی قابل تکثیر است

سالگرد انفجار حزب جمهوری اسلامی و
شهادت ناجوانمردانه شهید بهشتی
و ۷۲ نفر از مخلص ترین و بهترین مغزهای
متفکر انقلاب اسلامی، بهانه ای شد تا در
گفت و گو با آقایان
محمد اژه ای و رسول حامدیان
به عملکرد دفتر اصفهان
حزب جمهوری اسلامی بپردازیم

حواله: ۵۷ - ۵۶

هش استیفات با استناد به قرآن تأثیرگذار می شوند

سخنرانان، مداحان و شاعران اهل بیت (ع) نگاهشان را درباره چگونگی تأثیرگذاری
هیئات مذهبی در هنگام بحران های اجتماعی بیان می کنند



این پیوند جمعی و هم زمانی اش با آغاز ماه محرم و حضور مردم در هیئات، بهترین فرصتی است
که می توان مسائل را برای آن ها تبیین کرد. حال اگر بپرسیم چطور باید این ارتباط شکل گیرد و
معارف و حقایق به مردم منتقل شود، باید بگوییم که هیچ راهی بهتر از بیان آیات الهی و روایات
تاریخی نیست

حجت الاسلام علی صغیرا، سخنران



به واقعه عاشورا که نگاه می کنیم، تک تک عناصرش از شهادت یاران و امام حسین (ع) گرفته تا
حرکت اسراء حماسی است؛ با این حال در سال های گذشته برخی مداحان صرفاً مرثیه ای از این
واقعه می خواندند و به ابعاد حماسی اش توجهی نداشتند

حسام الدین صابری، مداح و مسئول جامعه ایمانی مشعر اصفهان



متأسفانه در هیئات ما توجه به قاریان قرآن مغفول مانده است؛ خصوصاً شرایط فعلی این حضور
بسیار مهم تر از گذشته است؛ چرا که وقتی به آیات قرآن رجوع می کنیم، به طور کاملاً آشکار توصیفی
از وضعیت فعلی مان می بینیم

محمد حسین محسنی، شاعر آیینی



بیداریم؟

حسین علیه السلام کشته تردید و بی عملی

یازده شب مجلس سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع)
صادق محمد صادقی آرمان حجت الاسلام
چیت الاسلام

مداحان: حاج محمد یزدخواستی / سید محمد رضایی
پنج شنبه ۵ تیر / از نماز مغرب / همراه با نمایش های عاشورایی

خ مشتاق سوم، پل شهرستان، پرچم عاشوراییان

آیین عشق بازی
فصل ششم / محرم ۱۴۰۴



راه ما از دل دریاست
بیست تا برویم

یازده شب مراسم عزاداری
حضرت اباعبدالله الحسین (ع)
سخنران:
حجت الاسلام
محمد داستان پور

۵ تیرماه، از ساعت ۲۰
همراه با مقتل خوانی ظهر عاشورا
بامداحی:
صادق حمزه، سجاد گودرزی
محمد علی فاتحی

تخت فولاد، جنب مقبره
بابا رکن الدین، حسینیه همدانیان
ویژه
دانش آموزان

بادرود

چراکه شخص رئیس این آژانس و بازرسان آن همواره برای استراحتیل جاسوسی کرده‌اند. حجت‌الاسلام مهدی حسن‌سیاحی در خطبه‌ای در نماز جمعه این هفته با اشاره به اینکه تئج سراطی نباید گروسی را به ایران راه داد، اذعان کرد: ما حضور بازرسان آژانس را تلقیق کردیم و سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل تضمین ندهند، بازرسان حق ورود به ایران ندارند. حسن‌سیاحی از هوشیاری و بصیرت همه ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه تشکر کرد و گفت: این جنگ نابرابر موجب انسجام و وحدت ایرانیان شد، همه از این حمایت کردند. امام جمعه بادرود با اشاره به اینکه پیروز جنگ اخیر ایران بود، بیان کرد: صداسومیا ضرورت ارتباط موثر و سازنده با کشورهای همسایه اظهار کرد: دیپلماسی همسایگی یکی از راهبردهای اساسی برای توسعه اقتصادی، تقویت امنیت منطقه‌ای و بی‌اثرکردن تحریم‌های دشمن است. ارتباط با کشورهای همسایه باید فعال، هوشمند و مبتنی بر عزت باشد؛ چراکه ما در یک منطقه حساس و تاثیرگذار قرار داریم و تعامل‌های منطقه‌ای ضامن پیشرفت کشور خواهد بود.

را و اادار به تعطیلی غنی سازی، توقف برنامه موشکی و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت کنند؛ اما در هیچ یک موفق نشدند. تنها کاری که کردند، قتل زنان و کودکان بی گناه بود که نشان دهنده عمق خیانت آن ها است.

با جمع نطفه تآکید کرد: آمریکا و اسرائیل سیلی سنگینی خورده اند و با عنایت خداوند و همت نیروهای مسلح و جبهه مقاومت، پایان رژیم

امام جمعه موقت اصفهان خطاب به اژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: بخشی از زمینه‌سازی حضور داشتند و بعضاً جان خود را در این مسیر از دست دادند، قدردانی کنیم و امیدواریم عزت ایران

شکست نخوردیم، بلکه پیروز میدان بودیم، به مورد از دستاوردهای جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: در این نبرد مذاکره‌ها را معلق کردیم، قدرت منطقه‌ای خود را به قدرت جهانی ارتقا دادیم، سیلی محکمی بر چهره استکبار جهانی تاخته شد و دوران تدافع به پایان رسید و عصر بشارت فتح آغاز شد.

امام جمعه ندامه از آن داد: از دیگر دستاوردها، آغازنامه‌های پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، بازگشت اقتدار امت اسلامی، افزایش مشروعیت جهانی انقلاب اسلام و اخلاص نظم عادلانه جهانی بود.

او افزود: در این جنگ و جدات اسلام حود مجبور ایران تقویت شد و جگه رهبری در داخل و در سطح جهان اسلام ارتقا یافت؛ تاجایی که مقام معظم رهبری امروز نور چشم مسلمانان جهان است.

یعقوبی اهداف دشمن در این نبرد را برشمرده و تصریح کرد: آنان می‌خواستند در پای میز مذاکره ما بنشینند.

ام جمعه چادگان گفت:
شکست دشمن در
ننگ، آتش بس را
جمهوری اسلامی به
دشمن تحمیل کرد.
بخت الاسلام محمود
جمال، در خطبه‌های

چاگدان اظهار کرد: آمریکا وقتی نژادگرای آپریشن نیستد، مستقیماً به کرد و کردها به شکست دست می‌زند. رهبران کرد از بعد از لشکران اسرائیل به سمت جمهوری اسلامی وارد میدان شد. او بیان کرد: زدن زندان اوین و پایگاه‌های بسیج همه به منظور آشوب و آتشافش بود. به هر دایات مقام معظم رهبری همه محاسبه‌های آن‌ها که بهم ریخت و دشمن نتوانست موفق شود. امام جمعه چاگدان گفت: بعد دیگر این حمله، چکر سانه‌ای بود که دشمنان نظام و اسلام به راه انداختند و خدا را شکر به وحدت ملت اسلامی ایران منجر شد. او به بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد و ادامه داد: رهبر در بیانات اخیر فرمودند مقرر فرماندهی رژیم آمریکا را رژیم که مهم‌ترین پایگاه آن‌ها در منطقه در همسایگی ایران بود. بنی جمالی افزود: پیام حضرت آقا فوق‌العاده بود که دنیا و تمام خریک‌زای این منتظر بیانات رهبر انقلاب بودند. امام جمعه چاگدان بیان کرد: به قدرت الهی و هم بزرگ ملت ایران و نیروهای مسلح، دشمنان اسلام را به زانو درخواهیم آورد. او افزود: این جنگ برای ما دستاوردهای مهمی داشت؛ از جمله وحدت و همدلی و تقویت‌آزادی نیروهای مسلح، یار و شویار بود و خودنی نکرد. او افزود: استفاده از کلمه شایسته صراحتاً بیست است و هیچ‌کس فکر نکند صلح شد و دیگر خبری نیست.



اندیشه حزب جمهوری اسلامی سالگرد انفجار حزب جمهوری اسلامی و شهادت ناجوانمردانه شهید بهشتی و ۷۲ نفر از مخلص ترین و بهتر یین مغزهای متفکر انقلاب اسلامی

سالگرد انفجار حزب جمهوری اسلامی و شهادت ناجوانمردانه شهید بهشتی و ۷۲ نفر از مخلص ترین و بهتر یین مغزهای متفکر انقلاب اسلامی
بهبانه ای شد تا در گفت وگو با آقایان محمد اژه‌ای و رسول حامدیان به عملکرد دفتر اصفهان حزب جمهوری اسلامی بپردازیم

کار حزبی موفق یک کار تمام وقت است

■ واحد سیاسی یا واحد آموزش رابطه‌شان با شما که واحد تشکیلات و به دنبال ارتقای نیروها بودید، چه بود؟

واحد تشکیلات یک طرف بود، داخل این ظرف را باید واحد‌های دیگر پر می‌کردند. واحد سیاسی باید محتوای سیاسی را می‌آورد، تحلیل به صورت جزوات یا به صورت شفاهی بود. واحد آموزش باید متن‌های آموزشی‌اش را می‌داد و اساتذش را تأمین می‌کرد. مثلاً در مقطعی ما به این جمع‌بندی رسیدیم که جزوه کافی نیست و حتماً باید در هر حوزه‌ای یک استاد باشد و سعی می‌شد حتی امکان‌ از روحانیت استفاده شود یا افرادی که به آن‌هاطمینان هست و خود واحد تشکیلات اداره جلسات را به عهده داشت. ما در هر حوزه‌ای یک رابط داشتیم و در خود آن حوزه مسئولیت‌هایی تعیین می‌شد، مثلاً مسئولیت‌های آموزش، سیاسی و...

■ مثلاً آقای محمد اژه‌ای که مسئول شاخه دانش آموزی بودند رابطه‌ایش را خودش می‌چید یا شما کمک می‌کردید؟

استقلال داشتند، منتهی تشکیلات هم نظارت یا کمک می‌کرد؛ اقتدار اداری نبود که حلاً حتماً بخواید بیاید اینجا تأیید شود. مثلاً شاخه دانش آموزی که خیلی فعال بود این‌ها عمدتاً مستقل بودند، البته نه اینکه کاملاً متفک باشند. ولی فرض کنید خودم که عضو شورای مهندسین بودم، اختیارات تقریباً به ما تفویض شده بود چون امکان اینکه بخواهی بیایی و یک کار اداری بکنی نبود.

■ الان در ادارات یک واحد امور پرسنلی داریم؛ آیا مسئولیت حزب جموری اسلامی در حد امور پرسنلی بود یا فراتر از آن بود؟

نه، فراتر بود. پرسنل ادارات در حد کارهای اداری هست، اما ما واحد تشکیلات ماکل جریان را باید اشراف می‌داشت؛ روی شاخه‌ها و حوزه‌ها و هم بر روی افراد نظارت داشت. منتهی یک سری واحدهای محتوایی بودند مانند آموزش و سیاسی و امثالهم، اما بیشتر شاخه‌ها و حوزه‌ها هرکدام زیرمجموعه تشکیلات بودند؛ درواقع مسئول تشکیلات قائم مقام حزب هم بود و من اواخر قائم مقام حزب بودم. یعنی در واقع مسئول تشکیلات نفر دوم بود.

■ قائم مقام شرح وظیفه خاصی داشت؟

بله، اسمش روشن است دیگر، یعنی جانشین؛ یعنی هر کاری که دبیر می‌کرد، و اگر دبیر به نحوی غائب بود و امکان حضور نداشت در واقع قائم مقام همان وظایف را در همه زمینه‌ها انجام می‌داد.

■ از حوزه مهندسین کمی بگویید. فعالیت شاخص یا جلسات هفتگی داشت؟

تمام حوزه‌ها جلسه هفتگی داشتند. طبق آئین‌نامه‌ای که بود، حوزه‌ها بین ۷ تا ۱۵ نفر بودند و یک حدی برای به رسمیت رسیدن داشت. معمولاً هر حوزه به همین شکل بود و مهندسین و غیرمهندسین نداشت. در ابتدای جلسه قرآن تلاوت می‌شد، بعد از قرآن یک بحث اعتقادی بود که این بحث اعتقادی به دو نحو بود؛ گاهی یک کتاب مثل کتب شهید مطهری مطرح می‌شد و اعضا مطالعه می‌کردند و بعد به جلسه می‌آمدند و آنجا با محوریت ارائه یک نفر بحث می‌کردند. بعد اشکالات اگر بود روی هم جمع می‌شد و بعد از مدتی یک نفر ادعوت می‌کردیم و می‌آمد پاسخ می‌داد.

■ وضعیت کار حزبی و تشکیلاتی امروز در مقایسه با حزب جمهوری چگونه است؟ معتقدم اگر مباحثی یک بحث تشکیلاتی درست و حسابی انجام شود، مثل آن کاری که حزب جمهوری اسلامی می‌کرد، هیچ راهی به غیر از اینکه طرف به قوی محض باشد در این کار وجود ندارد و اینکه بخواید نوک بزنند و مقطعی باشند، نمی‌شود. افراد مختلفی در تشکیلات و کادر حزب اصفهان به صورت تمام وقت حضور داشتند. یکی مسئول مالی بود، مسئول تبلیغات بود، مسئول تشکیلات بود، مسئول سیاسی و غیر از عناصر اصلی که سری عناصر درجه دوم مثل اعضای تشکیلاتی که در وقت مسخر بودند و حقوق اندکی می‌گرفتند. این‌ها شبانه‌روزی آنجا بودند و اصلاً ساعت معنی نداشت.



گفت و گو با مهندس رسول حامدیان (مسئول تشکیلات حزب جمهوری اسلامی اصفهان)

■ آقای حامدیان شما مسئول تشکیلات بودید و هم‌زمان مسئول شاخه مهندسین هم بودید؟

البته من مدتی مسئول آموزش بودم و بعد مسئول تشکیلات شدم. هم‌زمان در حوزه مهندسین جزء مدرسین و سخنرانان بود که مثلاً در اردوی نجف‌آباد آمدند. یک مدت دبیر حزب اصفهان آقای مسعود شهیدی بود که وقتی به تهران رفتند، حاج آقامهدی اژه‌ای دبیر حزب شدند. ایشان جزو افراد تاثیرگذار برای آموزش هسته‌های دانش‌آموزی بود.

■ غیر از حوزه مهندسین چه حوزه‌های دیگری بود؟

حوزه‌ها که می‌گویم به این شکل بود که تعداد افرادش ۱۵ نفر بود و بعد اگر این حوزه‌ها تعداد پیدا می‌کرد اسمش شاخه می‌شد. شاخه مهندسین، معلمین، بازار، خواهران، دانش‌آموزی، دانشجویی. این‌ها مادامی که یک حوزه بود، اسمش حوزه بود و بعد شاخه نام می‌گرفت. تشکیلات حزب ابتدا بر اساس تقسیم‌بندی صنفی بود؛ این اواخر، یعنی یکی دو سال آخر فعالیت بود که بنا شد شاخه‌ها تشکیل شوند. بعد تهران به این جمع‌بندی رسید که حوزه‌ها را محلی و جغرافیایی کنیم که هر دو بُعد باشد؛ یعنی هم در مسائل صنفی فعال باشد و هم در مسائل تشکیلاتی محلی.

■ نحوه عضویت در حزب به چه شکل بود؟

اول انقلاب که حزب تشکیل شد همه فکر می‌کردند اگر کسی بخواید در نظام باشد باید در حزب ثبت‌نام کند. بادم است در این ایستگاه حاج محمدعلی (دفتر حزب در چهارباغ پایین) به همان صورت که مردم در صورت تخم مرغ و شیر می‌ایستادند، به همین صورت چندین صغ و گشیده بودند و با سخی به داخل می‌رفتند و فرم‌هایی بود که آن‌ها را پر می‌کردند. در خاطرم هست که اواخر دوا تاق در حزب بود که این‌ها پر از مدرک بود، همه این‌ها را پوشه پوشه کرده شیری می‌ایستادند، به همین صورت چندین صغ و گداشت و ما هم برای دبیران جلسه تشکیل دادیم. حالا مثلاً یک جمعیت دواطلبی تحت عنوان انجمن اسلامی طرفداران حزب را جمع می‌کردیم و با آنها ارتباط می‌گرفتیم. نشست‌هایی باز فراگیرتر هم برگزار می‌شد؛ مثلاً یک سمینار در قم برگزار شد که از بچه‌های خودمان شهید محمدرضا توری‌زاده جزو همان ترکیب بودند.

■ شنیدم‌ام که از فعال‌ترین شاخه‌های حزب جمهوری، شاخه دانش‌آموزی بوده است. و به تعبیری با شروع جنگ این شاخه بیشترین حضور را در جبهه داشت و بیشترین شهید را داد. هنوز هم که هنوز است بعد از سال‌ها نشست‌های ماهیانه یا دو ماه یک بار با همان ترکیب افراد را داریم که در یک جمعیت حدود بیست نفری بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و در کنارش باید از خانواده شهدای شاخه هم هست. یعنی آن ارتباط هست و اکثراً مسئول اجرایی هستند. اما عهده قضیه است است که این ترکیبی که در آموزش و پرورش، حزب، بسیج دانش‌آموزی و انجمن‌های اسلامی بود خود به خود یک حالت قابل تکثیری داشت، یعنی چون فکر ارزشی بود و قشک بود مخاطب را خیلی خوب جذب می‌کرد و به همین خاطر اکثر مراسم شهدای شاخه دانش‌آموزی با پشتوانه سنگین و استقبال بالا برگزار شد. مثلاً شهید خالقی هنوز که هنوز است مراسم سالگردش با یک جمعیت خوب برگزار می‌شود. با بچه‌های اینا رگر هم ارتباط خوبی داریم و رفت‌وآمد خانوادگی می‌کنیم.

■ وظیفه واحد تشکیلات چه بود؟

واحد تشکیلات یک قسمت «گزینش» داشت که نمی‌دانیم آن زمان هم نامش گزینش بود یا نه؛ به هر صورت شاسایی یا گزینش یا هر چه که بود ورودی را می‌آورد، شاید نامش «جذب» بود.

این نیرو را می‌آورد و کار اصلی تشکیلات از این به بعد، درواقع پرورش نیروها بود. بعد از مرحله شناسایی کار اصلی تشکیلات شروع می‌شد که این نیروها باید به طور دائم از لحاظ سیاسی به روزرسانی شوند و از نظر اعتقادی و اخلاقی روی آن کار شود و ارتقاء پیدا کنند و اعضای تشکیلاتی اعتقاد‌اندشان افزایش پیدا کند و کارهای فکری و مطالعاتی انجام شود تا رشد کنند.

تفسیر یا بچه‌ها داشتند. حجت الاسلام جواد منصوری باز از مدرسین کلاس‌ها بود. آقای آدین هم آن موقع معاون تربیتی آموزش و پرورش بود و جزء مدرسین و سخنرانان بود که مثلاً در اردوی نجف‌آباد آمدند. یک مدت دبیر حزب اصفهان آقای مسعود شهیدی بود که وقتی به تهران رفتند، حاج آقامهدی اژه‌ای دبیر حزب شدند. ایشان جزو افراد تاثیرگذار برای آموزش هسته‌های دانش‌آموزی بود.

آقای هادی‌زاده هم آموزش پرورشی و رئیس ناحیه پنج بودند که با بچه‌ها کلاس داشتند. یعنی جلسات حوزه‌حزبی را من مسئولش بودم ولی آموزش عقیدتی بچه‌ها با همکاری دیگر دوستان در جلسات تکمیل می‌شد. مثلاً یک بحث قرآنی، ده جلسه پانزده جلسه یا بیشتر ادامه داشت. همچنین هر جلسه یک منشی دانش‌آموز داشت که به تعبیری موظف بود اطلاع‌رسانی به بچه‌ها را انجام بدهد. مثلاً شهید مهران حریرچیان و شهید علی مطیع و دکتر علی قاسمزاده و دکتر محمود تولایی از بچه‌های آن جمع بودند. آقای ابوالفضل قربانی عضو شورای شهر اصفهان هم جزء شورای دانش‌آموزی بود.

■ دانش‌آموزان کار اجرایی هم می‌کردند؟

بله، مثلاً تنظیم و تزئین محتوا برای نشریه دیواری مدارس از کارهایشان بود. اینکه در مدارس با گریزی کنند و کسانی که با این فکر همراهی می‌کنند را عضو کنند. کار هنری تهیه پوستر و بنر در انتخابات‌هایی که انجام می‌گرفت یا حتی برای تبلیغ می‌رفتند. شهرستان. نشست‌هایی هم برای دانش‌آموزان در شهرستان‌ها داشتیم. مثلاً با شهید سعید مهدوی که از دانش‌آموزان دبیرستان ادب بود به نائین رفتیم. آقای مهدوی به تعبیری برای دانش‌آموزان جلسه گذاشت و ما هم برای دبیران جلسه تشکیل دادیم. حالا مثلاً یک جمعیت دواطلبی تحت عنوان انجمن اسلامی طرفداران حزب را جمع می‌کردیم و با آنها ارتباط می‌گرفتیم. نشست‌هایی باز فراگیرتر هم برگزار می‌شد؛ مثلاً یک سمینار در قم برگزار شد که از بچه‌های خودمان شهید محمدرضا توری‌زاده جزو همان ترکیب بودند.

■ شنیدم‌ام که از فعال‌ترین شاخه‌های حزب جمهوری، شاخه دانش‌آموزی بوده است.

بله، و به تعبیری با شروع جنگ این شاخه بیشترین حضور را در جبهه داشت و بیشترین شهید را داد. هنوز هم که هنوز است بعد از سال‌ها نشست‌های ماهیانه یا دو ماه یک بار با همان ترکیب افراد را داریم که در یک جمعیت حدود بیست نفری بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و در کنارش باید از خانواده شهدای شاخه هم هست. یعنی آن ارتباط هست و اکثراً مسئول اجرایی هستند. اما عهده قضیه است است که این ترکیبی که در آموزش و پرورش، حزب، بسیج دانش‌آموزی و انجمن‌های اسلامی بود خود به خود یک حالت قابل تکثیری داشت، یعنی چون فکر ارزشی بود و قشک بود مخاطب را خیلی خوب جذب می‌کرد و به همین خاطر اکثر مراسم شهدای شاخه دانش‌آموزی با پشتوانه سنگین و استقبال بالا برگزار شد. مثلاً شهید خالقی هنوز که هنوز است مراسم سالگردش با یک جمعیت خوب برگزار می‌شود. با بچه‌های اینا رگر هم ارتباط خوبی داریم و رفت‌وآمد خانوادگی می‌کنیم.

■ حضور در جبهه، شاخه دانش‌آموزی را فراگیرتر کرد

بحث جبهه به تعبیری این شاخه را خیلی فراگیر کرد چون این‌ها در جبهه با هم مانوس می‌شدند، خلق و خویشان سریع‌تر گر می‌خورد و با گریزی و به تعبیری انتخاب ارزشی‌شان متکثر می‌شد. مثلاً طرف عضو شاخه دانش‌آموزی نبود اما بیشترین دوستانش می‌شدند بچه‌های شاخه دانش‌آموزی حزب. جبهه و جنگ مکمل قضیه شد و خب از نظر سنی هم بچه‌ها پر جنب و جوش بودند و در فعالیت‌های بیشترین حضور را داشتند. اعضای شورای مرکزی هم به تعبیری شاخه دانش‌آموزی را در هر منطقه به عنوان یک پشتوانه احساس می‌کردند.

■ چه کسی شما را به عنوان مسئول شاخه دانش‌آموزی حزب منصوب کرد؟ به دعوت آقای اکبر پرورش بود. متناسب با شناختی که از افراد فعال در شهر داشتند.

بله؛ خیلی از فعالیت‌هایش مشترک بود. مثلاً ما یک کنگره استانی در اصفهان داشتیم که آقای علی اکبر ولایتی از تهران به عنوان عضو شورای مرکزی شرکت کرد که اصلاً خود مراسم در مسجد علی برگزار شد. از این سی نفر بود. بعد از شهادت آقای بهشتی، کنگره‌ای در دفتر مرکزی حزب برگزار شد که در آن کنگره همه نمایندگان شهرستان‌ها حضور پیدا کردند و یک انتخاباتی برای تعیین سی نفر برگزار شد. اطلاعات این انتخابات یعنی نحوه حضور و زندگی نامه کاندیداها، اطلاعات آماری و نحوه مذاکرات در کتاب چند جلدی که آقای عبدالله جاسبی مدون کرده هست. آن موقع آقای جاسبی منشی حزب بودند.

■ مسئول شاخه دانش‌آموزی حزب شما بودید. لطفاً از فعالیت‌های شاخه دانش‌آموزی بفرمایید.

زیرمجموعه شورای مرکزی حوزه‌ها تعریف شده بود که هر حوزه جمعیتی بین ده تا پانزده نفر بود و بر اساس صنف یعنی بازار، کارمندان، معلمین، پزشکان، روحانیون، و منجمله دانش‌آموزی حوزه تعریف می‌شد. ما حدود سه حوزه دانش‌آموزی داشتیم که مجموعاً چهل نفر ترکیب اعضای رسمی‌اش می‌شد.

■ جلسات این حوزه‌های دانش‌آموزی چگونه بود؟

جلسات هفتگی داشتند که ابتدا اقرا ت قرآن بود، بعد حدیث گفته می‌شد، بعد جزوه‌های تشکیلاتی «آموزش مواضع» تدریس می‌شد و در آخر اخبار سیاسی منتقل می‌شد. خود این بچه‌ها ترکیبی بودند از دانش‌آموزان فعال فرهنگی و انجمن اسلامی‌های مدارس که موجب توانمندی آن انجمن‌ها هم می‌شد. دانش‌آموزانی که عضو حزب بودند از یک مدرسه بودند تشکیل یک «هسته» در آن مدرسه را می‌دادند. تقریباً انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی به نوعی با حزب ارتباط داشتند ولو اینکه در رده عضویت نباشند.

■ مکان برگزاری جلسات دانش‌آموزی کجا بود؟

جلساتشان که در اتاق‌های خود حزب در خیابان چهارباغ پایین بود. الآن این ساختمان در اجاره دانشگاه علمی-کاربردی نیروی انتظامی است.



بعضی از نشست‌ها هم عمومی بود. آن موقع مثلاً شهید علی مطیع مجری جلسات پرسش و پاسخ بود. سه تا جلسه ثابت بین ده تا پانزده نفره بود اما مثلاً آقای مسعود جهانبخش هم یکی از بچه‌های مایود که در فولادشهر دانش‌آموزان آنجا را ساماندهی کرده بود. این‌ها تعلق خاطرشان به حزب بود و فعالیت داشتند اما عضو رسمی حزب نبودند. مثلاً همراه خودش یک اتوبوس از دانش‌آموزان را برای جلسات می‌آورد. یک بار هم در نجف‌آباد یک اردوی دوازده برگزار شد که در حدود صد و هزده‌ای از شاخه‌های دانش‌آموزی حزب را از سراسر استان جمع کرده بودند و مدیریت‌اش با خود دوستان نجف‌آباد بود. از هر شهرستان پنج ای هفت نفر آمد. بودند و محور اصلی هم دانش‌آموزان خود اصفهان بود.

■ بازخورد فعالیت‌ها در مدارس شهر بازخورد فعالیت‌های ما این بود که مثلاً ده دوازده تا از انجمن‌های اسلامی هنرستان‌ها و مدارس مهم شهر را پوشش داده بودیم. حالا گاهی بعضی مدارس فقط یکی دو تا عضو داشتیم در جایی هم مثلاً هفت هشت تا. دبیرستان هراتی و ادب مثلاً فعال‌تر بود. دبیرستان صائب فعال بود. مفتح، هاتف، هنرستان ایبورد هنرستان سروش هم بودند. در یک هنرستان مثلاً دبیر آن مدرسه عضو حزب بود و خود به خود فعالیت راه به این مجموعه تزییز می‌کردند، اگر هم در مدرسه‌ای عضو نداشتیم سعی می‌کردیم پیشنهادات را به خود بچه‌های انجمن اسلامی منتقل کنیم.

■ شما مسئول واحد بودید و تعدادی هم رابط گروه‌ها بودند. اسامی افراد را هم بگویید.

مثلاً آقای سید احمد کاویانی آن موقع مسئول امور پرورشی ناحیه پنج بود. ایشان بحث‌های عقیدتی و مباحث قرآنی را از جلسات آقای پرورش گرفته بود و به بچه‌ها منتقل می‌کرد. خودش مربی و از هم‌دوره‌ای‌های شهید اژه‌ای بود. حجت الاسلام مجتبی کوچک‌زاده مسئول آموزش بودند و جلسات

شورای مرکزی تهران در مرحله اول به نوعی انتصاب بود. در مرحله اول سی نفر انتخاب شدند که زیر نظر هیئت مؤسس پنج نفره بودند و این پنج نفر به تدریج سیاستگذاری می‌کردند و واحدها ترکیبی از این سی نفر بود. بعد از شهادت آقای بهشتی، کنگره‌ای در دفتر مرکزی حزب برگزار شد که در آن کنگره همه نمایندگان شهرستان‌ها حضور پیدا کردند و یک انتخاباتی برای تعیین سی نفر برگزار شد. اطلاعات این انتخابات یعنی نحوه حضور و زندگی نامه کاندیداها، اطلاعات آماری و نحوه مذاکرات در کتاب چند جلدی که آقای عبدالله جاسبی مدون کرده هست. آن موقع آقای جاسبی منشی حزب بودند.



■ مثلاً کسی مثل شهید محمد منتظری هم به عنوان مدعو بوده؟

بله، عملاً مدعو بود. برادرش عضو حزب بود، ولی خودش نبود.

■ ظاهراً شهید محمد منتظری کمی درگیری هم با حزب داشت؟

بر اساس یک سری ایراداتی که به تصمیمات شورای انقلاب داشت و یک سری گزارشاتی که مثلاً از بعضی از حرکت‌هایی که در منطقه انجام می‌گرفت می‌شنید و منافع آمریکایی‌ها در آن بود مشکل داشت. چون مؤسسين حزب در شورای انقلاب هم بودند به تعبیری پیر این انتقادات به مسئولین حزب جمهوری اسلامی می‌گیرد.

■ دیگر چه اصفهانی‌هایی داریم که در حزب جمهوری اسلامی شهید شدند؟

آقای مهندس غلامعلی معتمدی، متولد شیراز بود اما عضو شورای اصفهان بود و نماینده کارگران در حزب اصفهان و مدتی مسئول اداره کار اصفهان بود. حجت‌الاسلام محمد منتظری که خود به خود از شهرستان نجف‌آباد بود. آقای سید شمس الدین حسینی نائینی که نماینده مجلس نائین بود. حجت‌الاسلام سید نورالله طباطبایی نژاد برادر آقای الله طباطبایی نژاد (امام جمعه اصفهان) هم بود که نماینده مجلس از اردستان بود.

آن موقع شهردرود اصفهان یک استان بودند و آقای رحمان استکی هم نماینده مجلس مردم‌شهرکرد بود.



شهید رحمان استکی
طباطبایی نژاد



شهید غلامعلی معتمدی



شهید علی اکبر اژه‌ای
شهید سید شمس الدین حسینی نائینی

بنابراین ۶ نفر از استان اصفهان در انفجار هفت تیر شهید شدند که یکی‌شان عملاً شهرداری بود.

■ شهید علی اکبر اژه‌ای هم‌زمان فعالیت‌هایش در مسجد علی (ع) ادامه داشت؟



گفت وگو با محمد اژه‌ای (مسئول شاخه دانش‌آموزی حزب جمهوری اسلامی اصفهان)

■ نحوه ورود برادران اژه‌ای به حزب جمهوری اسلامی چگونه بود؟ یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود که مؤسسين حزب جمهوری اسلامی رسماً اعلام کردند که حزب تأسیس شده است. با توجه به ارتباطاتی که قبل از پیروزی انقلاب بین مجموعه مؤسسين حزب و کانون علمی و تربیتی جهان اسلام اصفهان بود، به طور طبیعی اولین حمایت و نام‌نویسی در حزب را وظیفه خودمان می‌دانستیم.

برای عضویت حزب جمهوری اسلمی فرم تقاضا پر کردیم. شهید علی اکبر اژه‌ای جزو شورای مرکزی حزب اصفهان بود و مدتی که در اصفهان بود در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های حزب فعالیت داشت. حجت‌الاسلام مهدی اژه‌ای نیز مدتی به عنوان دبیر حزب اصفهان فعال بودند و من هم به واسطه ارتباطی که با دانش‌آموزان و مدارس داشتم به عنوان مسئول شاخه دانش‌آموزی فعالیت می‌کردم.

■ آن موقع شما خودتان معلم بودید؟

بله، در دبیرستان صارمیه و بهشت آئین، بینش دینی تدریس داشتم. سال ۵۸ در فراخوان جذب دبیران دینی، هر سه اخوی حاج آقا مهدی، شهید علی اکبر اژه‌ای و بنده استخدام غیر رسمی شدیم و بعد به تدریج جذب آموزش و پرورش شدیم.

■ مسئولیت شهید اژه‌ای در حزب اصفهان چه بود؟

مسئولیت خاصی نداشتند، عضو شورا بودند. در شورای مرکزی اصفهان یک سری واحدها بود مثل واحد دانش‌آموزی، واحد آموزش، دفتر سیاسی، تبلیغات، تدارکات و امور مالی و یک سری شخصیت‌های حقیقی هم بودند. جلسات هفتگی در تهران بود که آیت‌الله بهشتی مواضع حزب جمهوری اسلامی را تدریس می‌کردند. من و شهید اژه‌ای و بعضی از دوستان (چهار پنج نفره)، پنج شبه‌ها یا یک پیکان به تهران می‌رفتیم و کلاس‌ها را شرکت می‌کردیم. صبح هم نشست‌هایی بود که مسئولین واحدها داشتند. مثلاً واحد شهرستان‌ها و دفتر سیاسی صبح تا ظهر جلسه داشتند و بعد از ظهر هم کلاس «آموزش مواضع» بود و شب برمی‌گشتم اصفهان.



■ حضور شهید علی اکبر اژه‌ای در دفتر تهران

به واسطه پیشنهادی که به شهید اژه‌ای شد، برای فعالیت در وزارت آموزش و پرورش و همکاری با نهضت سوادآموزی که مسئولش حاج آقا محسن قرائتی بود. ایشان هفت‌ای چند روز محل کارشان تهران تعیین شد و فعالیت‌های حضوری بیشتری را با تشکیلات مرکزی حزب داشتند؛ از جمله جلسه بررسی شخصیت‌ها و نشست‌هایی که یکشنبه‌ها در تهران تشکیل می‌شد. در دفتر مرکزی حزب در محله سرچشمه تهران، نماز مغرب و عشاء خوانده می‌شد و بعد از نماز مسئولین حزب راجع به اصول کلی حزب تصمیم‌گیری می‌کردند. یک نشست نسبتاً عمومی بود؛ یعنی هم اعضای حزب حضور داشتند و هم مسئولین شاخه‌ها و هم مدعوئی که می‌آمدند. از هیئت دولت و قوه قضائیه و از مجلس هم بودند. در همین جلسه بود که انفجار تروریستی انجام شد و افراد به شهادت رسیدند. شهید علی اکبر اژه‌ای هم در دفتر روزنامه یاد دفتر سیاسی تردد داشت که به عنوان چهره‌ای به تعبیری از شورای مرکزی اصفهان و هم به عنوان شخصیت حقیقی رفت و آمد داشت.

■ اعضای شورای مرکزی تهران چگونه انتخاب می‌شدند؟

حرکت تاریخی
esfahan ziba online
۰۱۲
صحنه‌ان زیبا
شماره ۵۱۲۹
۰۷ / ۰۴ / ۱۴۰۴
شناسه
ویراستار و دبیر صفحه احمد موره صفه
حکمرانی شهری

شهرها از نظر پدافندی چگونه ساخته شوند؟

روز دوشنبه هفته گذشته جلسه جدید شورای عالی شهرسازی و معماری کشور به ریاست وزیر راه و شهرسازی در ساختمان مرکزی این وزارتخانه برگزار شد. در آن جلسه، طبق روال جلسات پیشین، طرح جامع یکی از شهرهای کشور مورد بررسی برای طی فرآیند تصویب قرار گرفت، اما رئیس شورا از فرصت پیش آمده در این جلسه بعد از حملات روزهایی قبلی رژیم صهیونیستی به مناطق شهری ایران استفاده کرد و «تکالیف مرتبط به محبت ۲۱ مقررات ملی ساختمان» را به مدیران مربوطه یادآوری کرد.این محبت از مجموعه مباحث مقررات ملی ساختمان، «پدافند غیرعامل» نام دارد و محتوای آن در دو حوزه شهرسازی و معماری، به ترتیب از «نوسنگدان طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها و همچنین شهرادران» و «سازنده‌های ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی» می‌خواهد «شهرهای کشور را به گونه‌ای توسعه دهند که ایمنی لازم در برابر تهدیدهای حملات نظامی دشمن را داشته باشند.»

- لزوم توجه پدافند غیرعامل در توسعه شهرها**
پدافند غیرعامل مجموعه‌ای از اقدامات غیرمسلحانه است که به‌کارگیری آنها موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، ارتقای پایداری ملی، تداوم فعالیت‌های ضروری و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می‌شود.آنچه در این چارچوب رزم است حین تدوین طرح جامع و تفصیلی شهرها در نظر گرفته شود و به تبع اجرای این طرح‌ها به عنوان ضوابط بالادست صدور پروانه ساختمانی از سوی شهرداران جدی گرفته شود، شامل «دو نوع مقررات ویژه شهرهای پدافندی» است.

- چگونه شهرها در برابر حملات ایمن می‌شوند؟**

رئیس شورای عالی شهرسازی در جلسه اخیر شورا فقط به دو مورد از ضوابط مورد نیاز برای تبدیل شهرها به مناطقی که پدافند غیرعامل در آنها رعایت شده است» اشاره کرد که شامل «کنترل قرار نگرفتن مناطق مسکونی و مراکز پرخطر، و» در نظر گرفتن پناهگاه در محله‌های دارای ساختمان‌های بلندمرتبه» بود،اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در صفحه ۱۷ از کتاب ۱۲۷ صفحه‌ای محبت ۲۱ مقررات ملی ساختمان آمده‌ست: «در طراحی شهرها برای ایجاد بستر مناسب استقرار ساختمان‌های دارای الزامات پدافند غیرعامل، حصول به یکسری اهداف در راستای حفظ جان مردم، تداوم بی‌وقفه فعالیت‌های ضروری و کاهش آسیب‌پذیری شهرها توسط مهندسیں شهرساز الزامی است.»
طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها چه برای تصویب و تاسیس شهر جدید» و چه برای «به‌روزرسانی طرح‌های شهرهای موجود کشور»، چنانچه ضامن «شهر پدافندی» باشد، باید ه موضوع را دور داشته باشد.

- شهرها باید چه الزامات پدافندی داشته باشند؟**

اولین گام برای ارتقا سطح پدافند غیرعامل یک شهر تاحد متعارف، «تعیین کاربری زمین به میزان لازم برای پناهگاه عمومی، دان هم به صورت چند عملکردی است. پناهگاه عمومی، در مواقع حملات نظامی دشمن، می‌تواند محل استقرار امن شهروندان باشد.گام بعدی برای این منظور، «برکنندگی و پخشایش مناسب جمعیت، تأسیسات و مراکز حیاتی و همسای در مناطق شهر» است. تراکم بیش از اندازه جمعیت در یک منطقه یا بازگذا رن مراکز حیاتی در نقطه یا محدوده‌ای خاص از شهر، نقض ایمن مورد از مقررات «شهرهای تاب‌آور در تهدیدات» است. سومین مقررات ویژه شهر پدافندی، «ایجاد پدافند غیرعامل طبیعی با استفاده از ظرفیت فضاهای عمومی و سبز در شهر است. فضاهای عمومی و پارک‌های شهری می‌توانند به گونه‌ای طراحی یا بازتعمیر شوند که در شرایط تهدید نظامی دشمن، قابلیت «اسکان موقت، امداد و درمان حاد»ه دیدگان» را داشته باشند. احتراز از استقرار کاربری‌های پیاپی مانند انباری و در مراکز جمعیتی، نظیر پمپ‌بنزین، منابع سوختی و انبارهای شیمیایی نیز تکلیف دیگر مدیران طراح شهرها و تدوین ضوابط سات و ساز است. همچنین در اطراف کاربری‌های مورد هدف راهبردی دشمن در شهرها نیز باید تمهیدات پدافندی» در نظر گرفته شود تا «سطح لازم برای درمان ماندن این کاربری‌ها از حملات» ایجاد شده و پایدار بماند. دوشنبه گذشته، وزیر راه و شهرسازی در جلسه شورای عالی شهرسازی به تمامی اعضای شورا و کمیته‌های فنی شورا توصیه کرد: در تهیه طرح‌های جامع، «ملاحظات پدافند غیرعامل رعایت شود و در قلم انجام شود تا مراکز جمعیتی، مسکونی در کنار مراکز پرخطر نباشد.ا و همچنین خواست، فرآیند ساخت وساز در ساختمان‌های بلند بازنگری شود و موضوعاتی مانند پناهگاه و حفظ امنیت مردم در نظر گرفته شود. /**دنیای اقتصاد**

اصفهان؛ سوق الجیشی ایران

روایتی تاریخی از توسعه اصفهان از نظر نظامی و تأثیر آن بر شهر

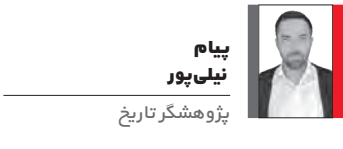


بسترهای نظامی‌گری در اصفهان در دوره ساسانیان در دوران حکمرانی ساسانیان، شهر اصفهان همچنان نقشی مهم در زمینه سیاسی و نظامی کشور داشت. اصفهان در این دوران یکی از دو منطقه ولیعهد نشین ساسانی بود و از همین دوران بود که عمدتاً نام این منطقه ازگی (چی) به اسپهان و سپاهان تغییر یافت که نشان از حضور و تجمع سپاهیان ساسانی در این خطه بوده است. در کتاب «تقویم البلدان» از ابن حوقل، جغرافیدان قرن چهارم نقل شده است: «اصفهان در آخر کوهستان است از جهت جنوب و پرنعمت‌ترین شهرها است. معدن سرمه دارد. از اصفهان، بعد به کاشان و قم می‌رسند. اصل آن «سپاهان» است به معنی لشکرها، زیرا که سپاه عجم در وقت بیکاری آنجا جمع بودند.»

- ارتش در ایران تا قبل از صفویه**
در سال‌های پس از ورود اسلام تا دوران صفوی، در خلال فروز نشیب‌های سیاسی و اجتماعی و دست به دست شدن‌های مداوم حکومت بین‌اقوام و سلسله‌های مختلف به ارتشی سازمان‌یافته و منظم به معنای مدرن برخورد نمی‌کنیم و بیشتر قوای نظامی را طوایف و قبایل کوچ نشین محلی تشکیل می‌دادند که فاقد انسجام سراسری در کشور بودند. قزلباش‌ها یکی از مهم‌ترین ای طوایف جنگاور بودند که در ندرت توانستند با اجتماع و حمایت از شیخ صفی‌الدین اردبیلی و خاندان صفوی تبدیل به هسته اولیه شکل‌گیری قدرت نظامی ایران شوند. با وجود آنکه حتی پیش از قدرت گرفتن حکومت صفوی سلاح‌های گرم مانند توپ و تفنگ‌های سریر در جهان همه‌گیر شده و مورد استفاده بود، اما قزلباش‌ها به دلیل این که جنگ با سلاح گرم را ناجو نماندانه می‌دانستند از قبول آن امتناع و به رزم با شمشیر و تیر و کمان مقید بودند که بعدها همین اعتقاد و نابرابری قدرت نظامی ایران با عثمانی، یکی از دلایل شکست ایرانیان در برابر توپ‌های جنگی عثمانی در نبرد چالدران شد.

- استفاده ایرانیان از روش‌های نوین نظامی**
به هر حال این تجربه و ورود برادران شرلی انگلیسی به ایران در دوران شاه عباس صفوی سبب شد ایرانیان با روش‌های نوین جنگ در میادین نبرد و صنایع تولید توپ و تفنگ و جنگ افزارهای نوین آشنا شوند. در نتیجه برای اولین بار بعد از قرن‌ها کشور ایران ارتشی نسبتاً سازمان یافته فراهم آورد که علاوه بر قزلباش‌ها و سپاه شاهسون از غلامان گرجی، دسته‌های تفنگچی، توپچی و غیره نیز بهره می‌برد که اغلب جنگ افزارهای آن‌ها ساخت کارخانه‌های پایتخت صفوی یعنی شهر اصفهان بود. با این حال تجهیز سپاه ایران به سلاح گرم بیشتر در دوران شاه عباس مورد توجه بود و بعدتر تا مرور جانشینان وی از این رویه دور شدند؛ تا جاییکه کارخانه‌های تولید سلاح اصفهان نیز رو به تعطیلی رفت.

- انحطاط نظامی‌گری در اواخر دوره صفویه**
شاردن در سفرنامه خود راجع به انحطاط ارتش در اواخر دوران صفویه چنین می‌نویسد: «چنین بود وضع سپاه ایران به هنگام عزیمت به سال ۱۶۷۷ میلادی، تجملی که به سپاه ایران حکومت می‌کند آن را تباه خواهد ساخت، زیرا از یک سو حقوق قشون که در حدود دویست و پنجاه فرانک برای هر پیاده و قریب چهارصد فرانک برای هر سواره نظام است، بر اثر تقلبات متصدیان امود مالی به یک ربع کاهش یافته است. از سوی دیگر هزینه‌ای که برای موجودیت ارتش و نشان دادن آن لازم است همواره در حال صعود است. از این روست که از چند سال پیش تاکنون سرداران و فرماندهان بازارش ولایتی مانند سرباز و افسر از ارتش فرار کرده و به کار دیگر اشتغال می‌ورزند و همچنان که گفته‌ام افراد قشون به هیچ وجه به صورت اجتماع در یک سربازخانه مسکن نمی‌کنند، بلکه با بیتنام در قشون جزو افراد ارتش می‌ایند. دربار هم که تقریباً روجیه جنگجویی را از دست داده و تجمل پرستی و عیاشی منحرفش ساخته است، فرار افراد ارتش را به نفع خود می‌پندارد



پرام نیلی‌پور

پژو هشرگر تاریخ

شهر اصفهان از زمان‌های دور به دلیل موقعیت سوق الجیشی خود در مرکز قلات ایران و محصور بودن با رشته کوه‌هایی با قله‌های مناسب برای ساخت قلعه‌ها، محلی مناسب برای گردآوری و استقرار سپاه بوده است. دستکم از دوران هخامنشیان شهر اصفهان در تشکیلات نظامی کشور نقش داشته‌است، اما به دلیل هجوم و جنگ‌های خانمان سوز بین ایران و یونان در طی آن سال‌ها بسیاری از منابع و کتاب‌های مرجع از میان رفته و در نتیجه جزئیات کمی در این خصوص در دسترس است. ■

در نوشته‌های یونانیان باستان همچون بطلمیوس از اصفهان با نام‌های « سپانه » و « اسپدانا » نام برده شده که هر دو، دارای ریشه‌ای از واژه اسپه به معنای ارتش در زبان فارسی بوده است که این خود نشانگر اهمیت نقش نظامی‌گری شهر اصفهان در آن دوران بوده است.

در دوران حکمرانی ساسانیان، شهر اصفهان همچنان نقشی مهم در زمینه سیاسی و نظامی کشور داشت. اصفهان در این دوران یکی از دو منطقه ولیعهد نشین ساسانی بود و از همین دوران بود که عمدتاً نام این منطقه از آخر کوهستان است از جهت جنوب که نشان از حضور و تجمع سپاهیان ساسانی در این خطه بوده است. در کتاب «تقویم البلدان» از ابن حوقل، جغرافیدان قرن چهارم نقل شده است: «اصفهان در آخر کوهستان است از جهت جنوب و پرنعمت‌ترین شهرها است. معدن سرمه دارد. از اصفهان، بعد به کاشان و قم می‌رسند. اصل آن «سپاهان» است به معنی لشکرها، زیرا که سپاه عجم در وقت بیکاری آنجا جمع بودند.»

- ارتش در ایران تا قبل از صفویه**
در سال‌های پس از ورود اسلام تا دوران صفوی، در خلال فروز نشیب‌های سیاسی و اجتماعی و دست به دست شدن‌های مداوم حکومت بین‌اقوام و سلسله‌های مختلف به ارتشی سازمان‌یافته و منظم به معنای مدرن برخورد نمی‌کنیم و بیشتر قوای نظامی را طوایف و قبایل کوچ نشین محلی تشکیل می‌دادند که فاقد انسجام سراسری در کشور بودند. قزلباش‌ها یکی از مهم‌ترین ای طوایف جنگاور بودند که در ندرت توانستند با اجتماع و حمایت از شیخ صفی‌الدین اردبیلی و خاندان صفوی تبدیل به هسته اولیه شکل‌گیری قدرت نظامی ایران شوند. با وجود آنکه حتی پیش از قدرت گرفتن حکومت صفوی سلاح‌های گرم مانند توپ و تفنگ‌های سریر در جهان همه‌گیر شده و مورد استفاده بود، اما قزلباش‌ها به دلیل این که جنگ با سلاح گرم را ناجو نماندانه می‌دانستند از قبول آن امتناع و به رزم با شمشیر و تیر و کمان مقید بودند که بعدها همین اعتقاد و نابرابری قدرت نظامی ایران با عثمانی، یکی از دلایل شکست ایرانیان در برابر توپ‌های جنگی عثمانی در نبرد چالدران شد.

- استفاده ایرانیان از روش‌های نوین نظامی**
به هر حال این تجربه و ورود برادران شرلی انگلیسی به ایران در دوران شاه عباس صفوی سبب شد ایرانیان با روش‌های نوین جنگ در میادین نبرد و صنایع تولید توپ و تفنگ و جنگ افزارهای نوین آشنا شوند. در نتیجه برای اولین بار بعد از قرن‌ها کشور ایران ارتشی نسبتاً سازمان یافته فراهم آورد که علاوه بر قزلباش‌ها و سپاه شاهسون از غلامان گرجی، دسته‌های تفنگچی، توپچی و غیره نیز بهره می‌برد که اغلب جنگ افزارهای آن‌ها ساخت کارخانه‌های پایتخت صفوی یعنی شهر اصفهان بود. با این حال تجهیز سپاه ایران به سلاح گرم بیشتر در دوران شاه عباس مورد توجه بود و بعدتر تا مرور جانشینان وی از این رویه دور شدند؛ تا جاییکه کارخانه‌های تولید سلاح اصفهان نیز رو به تعطیلی رفت.

- انحطاط نظامی‌گری در اواخر دوره صفویه**
شاردن در سفرنامه خود راجع به انحطاط ارتش در اواخر دوران صفویه چنین می‌نویسد: «چنین بود وضع سپاه ایران به هنگام عزیمت به سال ۱۶۷۷ میلادی، تجملی که به سپاه ایران حکومت می‌کند آن را تباه خواهد ساخت، زیرا از یک سو حقوق قشون که در حدود دویست و پنجاه فرانک برای هر پیاده و قریب چهارصد فرانک برای هر سواره نظام است، بر اثر تقلبات متصدیان امود مالی به یک ربع کاهش یافته است. از سوی دیگر هزینه‌ای که برای موجودیت ارتش و نشان دادن آن لازم است همواره در حال صعود است. از این روست که از چند سال پیش تاکنون سرداران و فرماندهان بازارش ولایتی مانند سرباز و افسر از ارتش فرار کرده و به کار دیگر اشتغال می‌ورزند و همچنان که گفته‌ام افراد قشون به هیچ وجه به صورت اجتماع در یک سربازخانه مسکن نمی‌کنند، بلکه با بیتنام در قشون جزو افراد ارتش می‌ایند. دربار هم که تقریباً روجیه جنگجویی را از دست داده و تجمل پرستی و عیاشی منحرفش ساخته است، فرار افراد ارتش را به نفع خود می‌پندارد

می‌شد و به ندرت هوای مطبوع در اتاق‌ها جریان داشت. کفپوش اتاق‌ها آجر بود و تختخواب نداشت. بستر سربازان حصیر بود و لباس‌هایشان را درون بقیچه می‌پیچیدند و روی سکوی اتاق می‌گذاشتند. در هر اتاق بین ۶ تا ۱۲ سرباز زندگی می‌کرد. فضای میان ساختمان، میدان مشق بود و در وسط آن سکویی به بلندی یک تا دو متر و طول حدود ۸ متر قرار داشت که زیر آن رآب انبار ساخته بودند. در گوشه زمین مشق، ابزار ورزش و تمرین نظامی تعبیه کرده بودند.»

ظل السلطان در اصفهان چهار سربازخانه، دو توپخانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی دایر کرد. فوج‌های پیاده نظام، سواره و توپخانه هر کدام سربازخانه مخصوص با میدان وسیع برای مشق نظام داشتند که در آنها نهرهای آب جاری و اتاق‌های مخصوص سربازان نور کافی و طاقچه برای گذاشتن اسلحه و لباس داشت و برای هر سرباز وسایل استراحت مخصوص آن فرد مهیا بود. سربازخانه‌های چهارحوض، نقش جهان، فتحیه و ناصری جزو تأسیسات نظامی بودند که ظل السلطان به ترتیب با گسترده‌تر شدن قشونش ایجاد کرد. سربازخانه چهارحوض در محل میدان چهارحوض در مجاورت میدان نقش جهان قرار داشت که محصور بین محوطه عمارت تیموری، کاخ عالی‌قاو و میدان نقش جهان بود.

- گسترش و نوسازی سربازخانه‌ها در دوره ظل السلطان**
ظل السلطان میدان صفوی چهارحوض را که رو به ویرانی بود، بازسازی کرد و محل اسکان و مشق سربازان قرار داد و به جای حوض‌ها، چهار باغچه در چهار طرف آن ایجاد کرد. او سطح میدان را از بناها و سکوهای بیهوده صاف و سنگفرش کرد. باغچه‌های آن را مرزبندی و ریگ‌ریزی و حوض وسط میدان را دوباره ساخت و رشته قنات مخصوص میدان را لایروبی و احیا کرد. حجره‌های اطراف و سردرهای آن را تعمیر، سفیدکاری و نقاشی نموده و ایوان بزرگ باشکوه آن را مرمت و با آجر فرش کرد. پله‌هایش را سنگ تراشی و سقف و دیوارهای آن را سفید و نقاشی کرد. اتاق‌های بسیار بزرگ میدان با تزئینات مقرنس‌کاری را که مدت‌ها مخروبه بود، مرمت و نقاشی و همچنین در انبار خاکروبه و زباله پشت میدان، عمارتی با اتاق‌های بزرگ رو به میدان برای اسکان صاحب منصبان نظامی ساخت.

در یکی از باغچه‌های بزرگ میدان، اسباب و لوازم ژیمناستیک نصب و حجره‌های اطراف میدان را محل اسکان فوج جلایی که فوج مخصوص نگهدیانی بیوات دولتی و ادارات حکومتی بود، قرار داد. سربازخانه فتحیه در محل کاروانسرا مادرشاه و بازارچه بلند که در دوران شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی بنا شده بود مستقر شد. ظل السلطان طرح تبدیل این کاروانسرا به محل اسکان صاحب منصبان سواره نظام و انبار تسلیحات نظامی را پیاده کرد و از بازارچه آن به عنوان اسطبل اسب‌های آن‌ها و گارد مخصوص بهره جست و از فضای رو به روی کاروانسرا هم به عنوان میدان مشق سربازان سواره نظام استفاده نمود. در دوران پهلوی کاروانسرای سلطانی و بازارچه بلند از نیروی‌های نظامی تخلیه و مورد بازسازی قرار گرفت و تنها نام خیابان آمادگاه امروزی یادگار آن دوران و حضور نیروهای نظامی ظل السلطان می‌باشد. سبب بنای سربازخانه ناصری نیز در روز عید فطر ۱۳۰۳ قمری در حضور صاحب منصبان و بزرگان شهر اصفهان گذاشته شد. این سربازخانه را بر روی سازه ویران کاروانسرای صفوی نقش جهان که در جهت شمال غربی آن میدان قرار داشت، بنا کردند.

این کاروانسرا دارای صحنی وسیع، دو طبقه، حجره‌های بزرگ، چهار دروازه و دهلیز و دو تیمچه بود. سربازخانه ناصری بنایی مستطیل شکل با هفتاد و شش اتاق بزرگ بود که در طول، بیست اتاق و در عرض نیز هجده اتاق داشت و در وسط هریک راهرویی وسیع بود و نهری از وسط این سربازخانه می‌گذشت. در یکی از زوایای رو به باغ سربازخانه، بیمارخانه و دواخانه نظامی ساخته شد.

- ترس حکومت مرکزی از ظل السلطان و تضعیف ارتش وی**
همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود قدرت گرفتن بی‌محابی ظل السلطان سبب شد حکومت مرکزی در تهران و شخص شاه نسبت به قوای نظامی او بی‌مکانی تلقای می‌باشد. در نتیجه به دستور ناصرالدین شاه، حکومت بسیاری از مناطق و افواج تحت اختیار او را از وی سلب و قدرت ظل السلطان را تنها محدود به شهر اصفهان شد.

لرد کرزن می‌نویسد: «پس از آنکه ظل السلطان از سرپرستی فوج‌های نظامی‌اش عزل شد، جیره و مواجب سربازهای پایمانده را به ندرت پرداخت می‌کرد؛ به طوری که سربازان فوج فتحیه برای گرم کردن فرارگاه خود مجبور بودند درختان چهارباغ را ببرند و بسوزانند.»

این واقعه یک سال و نیم پس از افتتاح سربازخانه ناصری اتفاق افتاد. او توانست موقعیت خود را حفظ کند و در نتیجه تصمیم شاه، تعداد سربازانش از بیست و یک هزار نفر به پانصد تن رسید که برای حفاظت از عمارت‌های دولتی هم کافی نبود.

وجود سربازخانه‌ها و انبارهای تسلیحات نظامی که گمان می‌کرد توجه شاه را به استعداد لشکرپیروزی‌اش جلب می‌کند، تنها باعث حسرت و درد سر وی شد و پس از آنکه اطمینان حاصل کرد که دیگر به سریر قدرت باز نمی‌گردد، سربازخانه ناصری را که بارها شکوه و عظمت و سبک معماری آن را ستوده بود، خراب کرد و مصالح آن را فروخت.

- تشکیل لشکر جنوب کشور در اصفهان در اواخر دوره قاجار**
در همین دوران در پی قراردادی بین ناصرالدین شاه و روسیه تزاری نیروی نظامی ویژه‌ای به نام قوای قزاق وارد ایران شد که در واقع مزدبگیر ارتش روسیه بودند. در سال‌های انتهایی قاجاریه، نیروهای نظامی ایران در بدترین وضع و پریشان‌ترین موقعیت قرار داشتند و تنها قوای قزاق، انتظام و صورت نسبتاً مرتبی داشت.

رضاخان سردار سپه یکی از افسران تحت فرمان همین قوا بود که در سال‌های

بعد با در دست گرفتن قدرت تغییراتی بنیادین در شکل نیروهای مسلح ایجاد کرد و به نوعی نسبت به ایجاد ارتش نوین اقدام نمود. تا پیش از این قوای نظامی متعدد و ناهمگون در ایران ایجاد شده بود. اما در ی ماه سال ۱۳۰۰ با ادغام دیویزیون قزاق، ژاندارمری دولتی، بریگاد مرکزی و دیگر واحدهای تابعه وزارت جنگ، ارتش نوین شکل گرفت.

در نتیجه این تحولات لشکر جنوب کشور در شهر اصفهان تشکیل شد. این لشکر در محل سابق کاخ‌های صفوی فرح‌آباد در دامنه کوه صفه مستقر شد که سال‌ها قبل فوج جلایی گهگاه اردوگاه تمرینی خود را در آنجا برگزار می‌کرد و بعدتر در دوره احمدشاه قاجار، ماژور فلک رئیس رژیمان ششم ژاندارمری این محل را برای استقرار نیروهای نظامی ژاندارمری انتخاب نموده بود.

- توسعه لشکر ارتش در اصفهان در دوره معاصر**

لشکر جنوب پس از تشکیل ارتش نوین همین اراضی فرح‌آباد را به عنوان مقر خود انتخاب نمود که تا به امروز هنوز مقر مرکز توپخانه ۴۴ و ۵۵ نیروی زمینی ارتش در این منطقه مستقر می‌باشد. استقرار پادگان فرح‌آباد در جنوب شهر اصفهان و وجود زمین‌های وسیع خالی از سکنه در آن محدوده سبب شد در سال‌های بعد فرودگاه و پایگاه هوانیروز اصفهان نیز در امتداد آن احداث شود.

با آنکه هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) در سال ۱۳۴۱ فعالیت خود را آغاز نموده بود، اما پایگاه چهارم آن که بزرگ‌ترین پایگاه بالگردی نیروهای مسلح ایران است از حدود سال ۱۳۵۰ در شهر اصفهان آغاز به فعالیت کرد. همچنین مرکز شهید وطن‌پور که بزرگ‌ترین مرکز آموزش جالبی بالگرد و مهندسی پرواز در غرب آسیا محسوب می‌شود و صنایع هلیکوپترسازی در سال‌های بعد در شهر اصفهان احداث شد.

با آنکه ارتش ایران از دوران پهلوی اول مجهز به نیروی هوایی با پایگاه‌های زیادی در شهر مختلف بود، اما تا اوایل دهه پنجاه شهر اصفهان فاقد پایگاهی برای نیروی هوایی بود. به دنبال عقد قرارداد خرید جنگنده‌های اف ۱۴ در سال ۱۳۵۳، ساخت یک پایگاه هوایی بزرگ با نام پایگاه هشتم‌شکاری در اصفهان آغاز شد. با توجه به اینکه شهر اصفهان تقریباً در مرکز کشور قرار دارد، این پایگاه به صورت یک پایگاه مادر با استفاده از جنگنده‌های اف ۱۴ پوشش تمام مناطق کشور را بر عهده گرفت. علاوه بر هواپیمای‌های اف ۱۴ و بی.سی.۷، جنگنده‌های اف ۵ و اف ۷ نیز در پایگاه اصفهان مستقر می‌باشند. این پایگاه دارای دو تیب پرواز شکاری و آموزشی است. همچنین تعمیرات هواپیمای‌های اف ۱۴، پی.سی.۷ و اف ۷ نیز در نیروی هوایی ایران تنها در این پایگاه انجام می‌شود. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پایگاه‌های سپاه نیز در همسایگی پادگان‌های نیروی زمینی ارتش در جنوب شهر اصفهان احداث شد.

- پادگان‌های نظامی، سدی در برابر بزرگ‌تر شدن شهر**

اما یکی از موارد قابل تأمل و بحث برانگیز در سال‌های اخیر در محبت توسعه شهری، وجود پادگان‌های نظامی در مناطق شهری اصفهان بوده است. گسترش شهر در طی دهه‌های گذشته سبب شده مکان‌هایی که زمانی خارج از شهر واقع و فاصله‌ای ایمن با مناطق مسکونی داشت و به عنوان منطقه نظامی انتخاب شده بود، هم اینک دیوار به دیوار محله‌ها و مناطق مسکونی شهری باشد. علاوه بر مباحث امنیتی و ایمنی، این مراکز به نوعی همچون سدی در برابر توسعه شهر قرار گرفته‌اند. هر چند در سال‌های اخیر با همکاری نیروهای مسلح و شهرداری شهر اصفهان این محدودیت کمتر شده و برخی از اراضی نظامی تبدیل به مناطق مسکونی شده و یا برای احداث بزرگراه‌ها و زیرساخت‌های شهری در اختیار دیگر سازمان‌ها قرار گرفته‌اند. اما هنوز گهگاه حضور پادگان‌های قدیمی در محدوده شهر اصفهان در مرکز توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد.

برخی از بخش‌هایی که امروز جزو قسمت‌های مهم شهر اصفهان محسوب می‌شوند، از اساس برای کارکردی نظامی ایجاد شده‌اند. به عنوان مثال شهرک‌های ملکشهر و خانه اصفهان در دوران پیش از انقلاب، محلی بودند برای اسکان نیروها و مستشاران نظامی آمریکایی که امروزه به عنوان منطقه مهمی در شمال شهر اصفهان، مورد استفاده و محل اسکان جمعیت بسیار زیادی از مردم قرار گرفته است. به عبارت دیگر تعریف اصفهان به عنوان جایی که تا دوران قبل از دوره صنعتی‌شدن معاصر، با ارتش و نظامی‌گری قرین بود، خالی از وجه و معنا نیست.

شهر اصفهان در طول تاریخ با آن که هیچگاه شهری مزی نبوده، اما همواره یکی از پایه‌های اصلی دفاع از حدود مرزوبوم ایران زمین بوده است. در دوران جنگ تحمیلی نیز شهر اصفهان به تنها بیشترین شهدا را به خود اختصاص داده است، بلکه قوای نظامی مستقر در آن نیز تأثیراتی مهم و سرنوشت‌سازی در عملیات‌های مختلف جنگی آن دوران در تاریخ ثبت نمود.

۸
لحظه
MOMENT



esfahan
ziba
online

صفهان زیبا
شماره ۵۱۲۹
۰۷ / ۰۴ / ۱۴۰۴
شنبه

شرکت پیام
اصفهان زیبا

صاحب امتیاز: شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان
زیربنا مدیر مسئول: دکتر علی قاسم زاده
مدیرعامل: احسان تیموری سیجانی
سردبیر: محمدحسین اعتزازیان

معاون بازگانی: سید محمدوحید حکیم فعال
معاون اداری و مالی: جواد علیقنیان

تحریریه: فرشاد توسلی، فاطمه رجب زاده
الهه سادات بدیع زادگان و مریم نقیان (فرهنگ)
محسن حیدری فرد، زهرا قندهاری و زهرا سادات کاظمی (هم محله)
داوود جعفری، پگاه ظاهری و مینا آیدزی (اقتصاد و سیاست)، محمد حسین اعتزازیان و لیلا مقیمی (روایت شهر و جامعه)
احمد مهره کش، سید نرگس نظام الدین و علی رشیدی (هنر و ادبیات)
زینب تاج الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی)، نفیسه حاجانی (گردشگری)
مهری منصور و مسعود افشاری (ورزش)

گرافیک: علیرضا مظاهری
علی نصر آزادانی و سولماز رجبی
سر ویراستار: عذرا دانی
عکس: حمیدرضا نیکومسرام

چند رسانه‌ای: سید میلاد میردامادی
حسین کشکولیان و امید هاشم زاده

مجازی و شبکه های اجتماعی: مهدی سروری
زهراتوکلی، مانده ژوفی، سارا حقیقی
لیلا کهلانی، فاطمه توکلی و حمید محسنی

صفهان زیبا
صدای مطالبات مردم اصفهان
esfahanzibaonline.ir
eitaa.com/esfzibanews
اصفهان، خیابان فردوسی
بن بست امام (شماره ۱۵)
تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۱
حرف مردم: ۰۳۰۰۰۲۵۲۴۴
امور اکبی ها: ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۸
چاپ: موسسه جام جم برتر برنا

بزرترین روزنامه استانی در ایران
دارای امتیاز ۹۲٫۲ در رده پند ی مطبوعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هدیه محله
ویژه نامه محلات شهر اصفهان

روزنامه فرهنگ
ویژه نامه شهر زندگی و مساله های آن

سیر چرخ
ویژه نامه پایداری اصفهان

محله
ویژه نامه تاریخ انقلاب اسلامی

گرمتر از مشیت
ویژه نامه میراث و گردشگری اصفهان

تیمیر
رسانه اقتصادی اصفهان

ESFAHAN
ZIBA-Online
en.esfahanzibaonline.ir

ویراستار و دبیر صفحه
احمد مهره کش

«وضعیت سفید»
در سایه توقف جنگ



**حمید
بردخونی**
نویسنده

هرگونه فشار برای «عادی بودن»، بدون توجه به آسیب های روانی و نیاز آن به ترمیم یا درمان، بیش از آنکه بهبود ببخشد می تواند آسیب زا باشد. نکته ی دوم، در وضعیت ناپایدار -در صورت الزام- باید به زبان ساده برای کودکان و نوجوانان توضیح داد که در وضعیت فعلی «درگیری متوقف شده، اما هنوز احتمال برگشتش وجود دارد». این می تواند همچون آغاز وضعیت سفید تلقی شود؛ اما آیا این وضعیت واقعاً سفید است؟ یا صرفاً وقفه ای ناپایدار میان دو مرحله از جنگ؟ جامعه، به ویژه خانواده ها، در این روزها یا پرسش هایی جدی رویه رو می شوند: آیا باید به زندگی عادی برگردیم؟ چگونه با وضعیت و الزامات ادامه جنگ کنار بیاییم؟ در ادبیات بحران، «وضعیت سفید» معمولاً به زمانی گفته می شود که تهدید مشخصی وجود ندارد و سطح هشدار پایین است. اما در شرایطی که توقف جنگ به شکلی شکننده مطرح شده و تجربه های تلخ هنوز در حافظه جمعی زنده اند، این وضعیت نه کاملاً سفید، بلکه «خاکستری روشن» است. همین خاکستری روشن می تواند فرصتی برای ترمیم، آگاهی و آمادگی دوباره باشد؛ به شرط آن که با چشم باز و با واقعی بینی با آن مواجه شویم.

■ برای بازسازی زندگی چه کنیم؟

نخستین اصل در چنین وضعیتی، بازسازی آرام آرام و تدریجی زندگی روزمره است، اما نه به شکل شتاب زده یا انکار آمیز. این یعنی نه باید وانمود کرد که هیچ بحرانی رخ نداده و نه باید در اضطراب بازگشت بحران، دست از فعالیت های حیاتی زندگی کشید.

مفاخر

دیگر به کلاس آقای خمینی
نمی آیم!

سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش)، معروف به شهید بهشتی و دکتر بهشتی، از روحانیون برجسته و مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود که دوم آبان در محله مسجد لنبان اصفهان به دنیا آمد و مسئولیت های مهمی از جمله دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، نایب رئیس مجلس خبرگان، ریاست دیوان عالی کشور، دبیر شورای انقلاب را عهده داشت. وی از شاگردان آیت الله بروجردی، سید محمد محقق داماد، امام خمینی (ره)، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبایی بود و در دانشگاه هم تحصیل و دکترای رشته فلسفه را اخذ نمود.

مهمترین جنبه ای که عموم مردم بیشتر از آن جنبه شهید بهشتی را می شناسند، به علت فعالیت سیاسی وی در دوران قبل و بعد از انقلاب است؛ مخصوصاً عضویت وی در شورای انقلاب، ماموریت در قوه قضائیه به عنوان رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی، با این حال، جنبه علمی شخصیت این شهید برای بسیاری هنوز ناشناخته

عکس نگاشت

برگزاری
همایش شیرخوارگان
حسینی در شهرهای ایران

نامه

صدایت ماندگار باد
آقامحسن!

**مجتبی
بنی اسدی**
نویسنده

سلام آقامحسن! دروغ نگفته باشم، اول قصدم این بود می کردم شعر از کجا آمده. واژه کالبدشکافی اش می کردم. غرق در غموزنجیرباف شده بودم که دیدم آهنگ هایت را همیشه می شنوم و صدایت در سرم می پیچد. تکراری بود آهنگ ها. ولی می شنیدم. دخترم با صدایت رفیق می شد. او هم هم صدا با من و تو لب هایش می جنبید. اگر هم بزرگ شد، قطعاً می گویم نه فقط صدایت، که رفتار ت را هم تکرار می کند. رفتار انسان دوستی ات؛ اینکه در تپندها را درمی یابی. صدایت، زندانی ها را از چار دیواری زندان به چار دیواری امن خانه رسانده. حتماً آن مرد خطاکرده غیر عمد که به زندان افتاده بود و تو باعث آزادی اش شدی، حالا با دخترش، در میان جنگ زمزمه می کند «علاج در وطن است.»، او وقتی دخترش را ترک موتور می نشاند که سر خیابانی که دوروز پیش بمباران شده، بستنی زعفرانی نوش جان کنند. توی خیابان با هم فریاد می زنند «مردم خدا مراقب ماست، جز خیر ما ندید و نخواست، آری که خدا در همه جاست، از شر دشمنان چه هراس»

مردی که تو دست خیر گذاشتی برای آزادی اش، به همراه مردمی که دست تو را پس نزدند و هم وطن خودشان را به آغوش دخترش بازگرداندند، در این روزهای جنگ، همه، یک صدا، یک دل و یک نفس در کنسرت میلیونی که با «علاج» در قلوب مردم برپا کردی، با پرچم های برافراشته و چشم هایی بسته، دست به سینه و اشک ریزان هم خوانی می کنند «ما زنده ایم مثل امید، این چند روز را بروید، بر کشتن شنیدیم. این صدای تو بود که ما را به موسیقی و افتخار کنی... مردم علاج در وطن است.»

صدایت ماندگار باد آقامحسن!

نوعی بی احترامی به امام انجام می دهد. اینطور شد که ایشان چند روزی به درس امام (ره) نرفت. اما امام به این علت که ایشان توه مرحوم آیت الله مدرس خاتون آبادی بود و از همه مهمتر، یکی از معدود طلابی بود که درس استاد را می فهمید و سپس سوالات خوب و بجایی می پرسید، علاقه بسیاری نسبت به ایشان داشت. به همین دلیل بود و بدان گمان که ایشان مریض است و چند روز به

عکس از ایمن

تقویم تاریخ

پناهنده شدن امپراتور شکست خورده هند به ایران

بیست و هشتم ژوئن سال ۱۵۴۰ میلادی به دربار قزوین، پایتخت آن زمان ایران، خبر رسید که همایون شاه امپراتور هند قصد پناهنده شدن به ایران در دربار شاه طهماسب صفوی را دارد. همایون شاه در جنگ هفده ماه می آن سال، از یک خان پشتون افغان شکست خورده بود و چون در دهلی هم معارضان و مخالفان فراوان داشت ترجیح داده بود که به ایران بیاید و پناهنده شود. در آن روز شاه طهماسب قصد دیدار از زنجان را داشت که این خبر را دریافت کرد. شاه طهماسب یکم پس از ورود همایون شاه به قزوین و دیدار و مذاکره، سپاهی در اختیار او قرار داد و همایون شاه با کمک این سپاه، تاج و تخت خود را بازیافت و این امر به بسط نفوذ فرهنگی ایران در هند انجامید که بیش از دو قرن تا سلطه انگلیسی ها بر هند ادامه داشت. تا زمان سلطه انگلیسی ها بر هندوستان در نیمه قرن نوزدهم، «فارسی» زبان رسمی دربار امپراتوران هند و زبان مکاتبات رسمی این کشور بود که بعداً زبان انگلیسی جای آن را گرفت.

اعداد«میرزا ابوالقاسم قائم مقام» در باغ نگارستان

در این روز به دستور محمد شاه قاجار، میرزا ابوالقاسم قائم مقام صدر اعظم وقت ایران را که خود او بارها گفته بود که سلطنتش را مدیون کاردانی وی می داند، تنها به این سبب که در صدد تغییر فرمانده گارد سلطنتی برآمده بود در باغ نگارستان (محل فعلی ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد - دیوار به دیوار بهارستان) خفه کردند، زیرا شاه سوگند خورده بود که خونش را نریزد!.. محمد شاه در آن روز از ترس بیماری وبا که شیوع یافته بود و گرمای بی سابقه تهران، قصد رفتن به لواسان را داشت، ولی پیش از این نقل مکان، به دلیل بدبختی و ترس از نافرمانی قائم مقام و احتمال کودتا از جانب وی، دستوری جان ساختن وی را داده و سپس معلم سابق خود، عباس ایروانی معروف به حاجی میرزا آقاسی را جانشینش کرد. برخی مورخان، آقاسی را «بی مایه برای صدارت عظماء» توصیف کرده اند. آن روز قائم مقام را که به اوضاع کشور سروسامان داده بود و در کتب تاریخ «مردی لایق» توصیف شده است از خانه اش در باغ لاله زار (خیابان لاله زار تهران) به باغ نگارستان برند تا اعدامش کنند.

امضای قرارداد صلح ورسای و تحقیر آلمان

ده دقیقه مانده به ساعت ۴ درظهر ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۹، نمایندگان آلمان زیر فشار شدید و ترس از خطر اشغال نظامی و طشتان قرارداد «ورسای» را امضا کردند. این قرارداد یکی از مهم ترین پیمان های صلح تاریخ، است که بعد از پایان جنگ جهانی اول بین امپراتوری آلمان و متفقین خاتمه داد. درگیری های رزمی با انعقاد آتش بس ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸، قریب به هشت ماه پیش به اتمام رسیده بود. این پیمان در کاخ ورسای در حومه پاریس به امضای دولت های پیروز بریتانیا، ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و ژاپن از یک طرف و امپراتوری آلمان در طرف دیگر رسید. یکی از مهم ترین و جنجالی ترین مفاد این معاهده، ماده ۲۳۱ بود که مقرر می داشت آلمان باید مسئولیت خود و متحدانش بابت ایجاد تمامی آسیب ها و خسارات دوران جنگ را بپذیرد (مفاد مشابهی در پیمان های جداگانه سایر قدرت های مرکز نیز ذکر شده بود). این ماده بعدها به عنوان ماده «گناه جنگ» مشهور شد. با توجه به پیامدهایی که این پیمان داشت می توان آن را در زمره تأثیرگذارترین و سرنوشت سازترین پیمان های تاریخ به حساب آورد. این پیمان، امپراتوری آلمان را خلع سلاح کرد، بخش گسترده ای از خاک و تمامی مستعمرانش را از آن گرفت و وارار به پرداخت غرامت به متفقین ساخت. سال ۱۹۲۱، مبلغ کل این غرامت ها ۱۳۲ میلیارد مارک طلا ارزیابی شد (در آن زمان ۲/۳ میلیارد دلار یا ۶/۶ میلیارد پوند، که تقریباً معادل ۴۴۲ میلیارد دلار آمریکا یا ۲۸۴ میلیارد پوند بریتانیا در سال ۲۰۲۱ است). در زمان امضای پیمان، برخی اقتصاددانان مانند جان مینارد کینز، عضو هیئت اعزامی بریتانیا در کنفرانس صلح پاریس، پیش بینی کردند که این معاهده بیش از حد خشن و سختگیرانه و اصطلاحاً یک «صلح کارتزای» است و مبلغ غرامت آن قدر بالاست که نتیجه معکوس خواهد داشت. این دیدگاه ها از آن زمان تاکنون موضوع مباحثه مورخان و اقتصاددانان است. از سوی دیگر، برخی چهاره پاره برجسته متفقین مانند فردیناند فوش معتقد بودند که این معاهده بیش از حد به آلمان ارفاق کرده است. در بی امضای قرارداد ورسای، «ماکس وبر» نخستین اندیشمندی بود که اعلام کرد: «این قرارداد که باعث تحقیر مردم آلمان می شود، زاینده جنگ دیگری خواهد بود.» تاریخ، نشان داده است که قرارداد نهایی حل مسائل نباید در جو کینه توزی و انتقام گرانه تدوین شود. «مرور زمان نشان داد که چنین شن و پیش بینی وبر درست بود.